****

[ادله عدم وجوب هروله 1](#_Toc487626193)

[دلیل اول: صحیحه سعید الاعرج 1](#_Toc487626194)

[نقد مرحوم داماد بر دلیل مذکور 2](#_Toc487626195)

[نقد کلام مرحوم داماد 2](#_Toc487626196)

[دلیل دوم (محقق داماد) 3](#_Toc487626197)

[**نقد کلام محقق داماد** 4](#_Toc487626198)

[دلیل سوم: دلیل مختار 4](#_Toc487626199)

[**احكام السعي‌** 6](#_Toc487626200)

[حکم ترک غیر عمدی سعی 6](#_Toc487626201)

**موضوع**: احکام سعی /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

گفتیم مشهور قائل به استحباب هروله در سعی شده اند، فقط حلبی در الکافی فی الفقه قائل به وجوب شده است و البته ظاهر صحیحه معاویة بن عمار هم وجوب هروله است.

## ادله عدم وجوب هروله

### دلیل اول: صحیحه سعید الاعرج

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَج‏ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ تَرَكَ شَيْئاً مِنَ‏ الرَّمَلِ‏ فِي سَعْيِهِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ قَالَ لَا شَيْ‏ءَ عَلَيْهِ.[[1]](#footnote-1)

به این تقریب که صحیحه فوق نسبت به کسی که ترک هروله کرده، فرموده «لا شیء علیه» و اطلاق دارد، هم از این جهت که شامل علم و عمد و نسیان می شود و هم از این جهت که می گوید بر ذمه تارک هروله چیزی نیست، و سعیش باطل نیست و اعاده و کفاره ندارد و این دلیل بر عدم وجوب هروله است، لذا گفته­اند ظاهر این روایت عدم وجوب هروله است و چون ظهورش در عدم وجوب قوی است، صلاحیت برای رفع ید از ظهور ادله دال بر وجوب هروله را دارد.

#### نقد مرحوم داماد بر دلیل مذکور

اولا: این معتبره شامل ترک عمدی هروله نمی شود، زیرا کسی که به صدد امتثال واجب و عبادت است، عادتا اخلال به واجبات آن عبادت نمی ورزد و لذا نمی توان از آن استفاده عدم وجوب هروله نمود، زیرا شاید فقط در فرض جهل و سهو، حکم به لاشیء علیه شده باشد.

و ثانیا: مورد سوال ترک شیئا من الرمل است و نه ترکه بالمرة و شاید فقط ترک شیئا من الرمل اشکالی نداشته باشد، اما ترک هروله بالمرة اشکال داشته باشد.

و ثالثا: لاشیء علیه ظهور در لاعقاب علیه ندارد و شاید مقصود از آن فقط نفی وجوب اعاده و کفاره باشد، لذا از آن عدم وجوب هروله استفاده نمی شود.

##### نقد کلام مرحوم داماد

اولا: این که فرمود روایت شامل ترک عمدی عمل نمی شود، صحیح نیست، زیرا مردم با مثل همین سوال ها می خواهند بفهمند که برخی اعمال مثل هروله واجب نیست، مخصوصا اگر از واجباتی باشد که جزء واجب مرکب نیست که به ترک آن، مرکب باطل شود، اما ظرفش در آن واجب مرکب باشد، مثل مبیت به منی، و ممکن است کسی عمدا چنین واجبی را ترک کند، چون مبطل حج نیست و یا هروله را ترک کند، چون یقین دارد مبطل نیست، اما چون احتمال وجوب آن می رود، از آن سوال کند.

لذا ترک استفصال موجب اطلاق است و لذا اگر سوال شود کسی ترک قنوت در نماز کرده، و گفته شود اشکال ندارد، اطلاق گرفته می شود که عمدا هم ترک قنوت در نماز اشکال ندارد.

ثانیا: این که فرمود موضوع سوال، ترک مقداری از هروله است و شاید با ترک همه هروله فرق کند، این نیز احتمال فقهی ندارد، یا رمل و هروله واجب است یا مستحب، نه این که فی الجملة واجب باشد، اما مقدار بین المنارتین آن مستحب باشد.

ثالثا: این که گفته شد شاید لاشیء علیه به معنای عدم وجوب اعاده و کفاره باشد، خلاف اطلاق است، بلکه ظاهرش این است که عقاب هم ندارد.

بله، اگر ایشان می فرمود چون این روایت اطلاق دارد، قابل تقیید به صحیحه معاویة بن عمار است که دال بر وجوب هروله بود، مطلب خوبی بود، و بعد از تقیید، تحت معتبره فقط نفی وجوب اعاده وکفاره باقی می­ماند.

لذا عمده همین جواب است که باید جمع عرفی موضوعی بین صحیحه و معتبره بکنیم.

### دلیل دوم (محقق داماد)

محقق داماد جواب دیگری از ظهور روایات در وجوب هروله داده مبنی بر این که اطلاقات فراوانی که درباره حج و عمره و سعی آمده، خالی از امر به هروله است، مگر صحیحة معاویة بن عمار و موثقه سماعة و مرسلة صدوق و گرچه از جهت صناعی اطلاقات مذکور باید به صحیحه و موثقه تقیید زده شوند، اما ظهور صحیحه معاویة بن عمار در وجوب هروله چندان قوی نیست و این ظهور ضعیف نمی تواند بر اطلاقات متعدد مقدم شود.

علاوه بر این که صحیحه معاویة بن عمار که حج پیامبر در حجة الوداع را با جزئیات و حتی بسیاری از مستحباتی که حضرت انجام دادند، بیان کرده، سخنی از هروله نرانده، در حالی که وقتی مستحبات را از قلم نیانداخته، چگونه ممکن است حضرت هروله فرموده باشد و در این روایت ذکر نشده باشد؟!

ان قلت: پیامبر اکرم سواره سعی می کرد و راکب که هروله ندارد و فقط قدری تندتر می رود و لذا در صحیحه سخنی از هروله حضرت نیامده است و این دلیل بر عدم وجوب هروله نمی شود.

قلت: از کجا معلوم که حضرت در حجة الوداع سواره سعی کرده باشند و شاید این قضیه در عمره بوده باشد، زیرا روایت فقط می گوید سعی علی راحلته، اما معلوم نیست که این مربوط به حجة الاسلام بوده باشد، بلکه شاید حضرت در حجة الاسلام ماشیا سعی کرده باشد و وقتی هروله کردن حضرت نقل نشده، معلوم می شود که هروله واجب نبوده است.

**نقد کلام محقق داماد**

وقتی احتمال سواره بودن حضرت در حال سعی در حجة الوداع می رود، همین کافی است که نتوان به صحیحه معاویة بن عمار که خالی از بیان هروله حضرت در حجة الوداع است، تمسک نمود.

اما این که گفته شد اطلاقات خالی از بیان وجوب هروله در سعی است، مورد نقاش است، زیرا احتمال دارد هروله بین دو مناره متعارف بوده باشد و به همین جهت مطرح نشده است، زیرا نوعا اموری که متعارف نیست و محل نزاع بوده بیان می گردد و به آن ترغیب می شود، نه اموری که انجام آن متعارف بوده است، لذا به نظر ما این جواب محقق داماد تمام نیست، زیرا اطلاقات در صورتی اقوی از مثل صحیحه و موثقه خواهد بود که هروله متعارف نبوده باشد و بعد بگوییم اگر واجب بوده، پس چرا متعرض آن نشده اند، ولی اگر هروله متعارف بوده باشد، ظهور اطلاقات اقوی نخواهد بود.

### دلیل سوم: دلیل مختار

بله، صحیح این است که بگوییم اگر هروله واجب بود، لبان و اشتهر، نه این که فقط حلبی قائل به وجوب آن شود.

علاوه بر این که ممکن است گفته شود احتمال عقلائی می رود که عدم وجوب هروله در زمان شارع واضح بوده باشد و این یعنی احتمال وجود قرینه ارتکازیه نوعیه بر خلاف ظهور وجوب هروله در زمان صدور خطاب می رود، مثل این که استاد اخلاق بگوید نماز شب واجب است، ارتکاز قطعیه متشرعی بر عدم وجوب، سبب حمل آن بر استحباب می شود و ما هم که برای کسی نقل کنیم، این توضیح را نمی دهیم که مقصود وجوب اخلاقی است، نه وجوب فقهی، زیرا راوی بر خود لازم نمی داند قرائن ارتکازیه واضحه را نیز نقل کند، شاید امر به هروله نیز مقارن با ارتکاز متشرعی بر عدم وجوب آن بوده باشد و شک در وجود چنین قرینه­ای، مانع از انعقاد ظهور است.

(البته این بر مبنای استفاده وجوب از ظهور صیغه امر است، نه این که وجوب، حکم عقل و عقلاء باشد.)

موکد این مطلب نیز این است که امر به سعی در صحیحه معاویة بن عمار، در سیاق مستحبات ذکر شده است، امر به سکینه و وقار و دعایی که گفته شده خوانده شود و امر دوباره به سکینه و وقار و صعود بر مروه، این ها همه از مستحبات است، گرچه واجباتی هم ذکر شده است، و لکن باز هم ظهور در وجوب پیدا نمی کند.

البته ما قرینه سایق در موارد کثرت ذکر مستحبات را قائلیم و در این گونه موارد قائل به عدم ظهور در وجوب می شویم، بر خلاف جایی که یک امر استحبابی و یک امر وجوبی کنار هم قرار گرفته باشد.

البته در روایت سماعة که از آن استفاده وجوب سعی شده، شبهه وجود دارد مبنی بر این که در این روایت از کیفیت سعی سوال شده و در جواب حضرت می فرماید آن چه بوده، بر مردان است و نه زنان، ولی از آن استفاده نمی شود که واجب بوده یا مستحب، یعنی همان هروله ای که از مقدارش سوال کردی بر زنان نیست و لذا این شبهه وجود دارد.

ظهور مرسله صدوق که فرمود کسی که نسیان هروله کرد، عقب عقب بیاید، اقوی از دو روایت دیگر است، اما هم مرسله است و هم ممکن است گفته شود این روایت در مقام بیان کیفیت رجوع است و می­گوید برای استدراک هروله، قهقری باید برگردد ولی در مقام بیان وجوب نیست.

البته این شبهه ناتمام است، زیرا ظهور مرسله در وجوب قوی است و کشف می کند از وجوب هروله، لولا جوابی که دادیم که لو کان، لبان و اشتهر.

**احكام السعي‌**

**تقدم أن السعي من أركان الحج فلو تركه عمدا‌ عالما بالحكم أو جاهلا به أو بالموضوع الى زمان لا يمكنه التدارك قبل الوقوف بعرفات بطل حجه و لزمته الاعادة من قابل و الأظهر أنه يبطل إحرامه أيضا و إن كان الأحوط الاولى العدول الى الافراد و إتمامه بقصد الاعم منه و من العمرة المفردة.**[[2]](#footnote-2)

## حکم ترک غیر عمدی سعی

سعی از ارکان است و ترک عمدی آن قطعا مبطل است، اما حکم ترک آن از روی جهل، دلیل خاصی ندارد و معلوم نیست که متعمد در دو روایتی که در تارک سعی نسبت به او حکم شد به این که لا حج له و علیه الحج من قابل، شامل جاهل هم بشود و از این جهت اجمال دارد، زیرا گاهی متعمد در مقابل ناسی است و گاهی در مقابل اعم از ناسی و جاهل است.

ولی ما به دلیل خاص نیاز نداریم، زیرا سعی فریضه است و اخلال به فرائض، مبطل حج است، زیرا حج واجب مرکب است، ممکن است کسی بگوید ترک سنت از روی جهل، مبطل نیست، اما سعی فریضه است و ترک آن از روی جهل به حکم یا موضوع، حجش باطل است.

فقط ترک سعی از روی نسیان موجب بطلان حج نیست.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص487، أبواب من ترک الهرولة...، باب9، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/487/ترک) [↑](#footnote-ref-1)
2. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 147](http://lib.eshia.ir/21006/1/147) [↑](#footnote-ref-2)